**( لو ) کلّيّه ارواح پنج قسم است**

بدانکه کلّيّه ارواح پنج قسم است ، اوّل روح نباتی و آن قوّه ايست که از ترکيب عناصر و امتزاج موادّ بتقدير خداوند متعال و تدبير و تأثير و ارتباط با سائر کائنات حاصل شود مثل الکتريک که از ترکيب بعضی اجزا حاصل و پيدا ميشود . و چون اين اجزا و عناصر از هم تفريق شود آن قوّه ناميه نيز محو گردد مثل اجزای الکتريک که بمحض تفريق اجزا قوّه الکتريک نيز مفقود و متلاشی شود اين روح نباتيست . بعد از آن روح حيوانی است آن نيز چنين است از امتزاج عناصر است که ترکيب ميشود ولی اين ترکيب مکمّل‌تر است و بتقدير ربّ قدير امتزاج تامّ پيدا کند و روح حيوانی که عبارت از قوّه حسّاسه است پيدا شود و احساس حقائق محسوسه از مبصر و منظور و مسموع و مطعوم و مشموم و ملموس نمايد آن نيز بعد از تفريق و تحليل اين اجزای مرکّبه بالطّبع محو ميشود مانند اين چراغ که مشاهده مينمائيد که چون اين روغن و فتيل و آتش با هم جمع شود روشنائی حاصل گردد و لکن چون روغن تمام شود و فتيل بسوزد آن نور نيز محو گردد . امّا روح انسانی اين مَثَلش مِثل بلّور و فيض آفتابست يعنی جسم انسان که مرکّب از عناصر است در اکمل صورت ترکيب و امتزاج است و غايت اتقان و اشرف ترکيب و اکمل موجودات است و بروح حيوانی نشو و نما نمايد . اين جسم مکمّل مانند آئينه است و روح انسانی مانند آفتاب اگر چنانچه بلّور بشکند فيض آفتاب باقيست و اگر آئينه محو و نابود شود بر فيض آفتاب ضرری نرسد آن باقيست . اين روح قوّه کاشفه است که محيط بر جميع اشياست و جميع اين آثار بدايع و صنايع و اکتشافات و مشروعات عظيمه و وقوعات مهمّه تاريخيّه که ميبينی کلّ را او کشف کرده و از حيّز غيب و کمون بقوّه معنويه بعرصه ظهور آورده . مثلاً در زمين است کشفيّاتی در آسمان ميکند از حقايق معلومه يعنی چيزهائی که معلومست و مشهود چيزهای مجهول را کشف کند مثلاً در اين نصف کره است ولی بقوّه عاقله مانند کولمبس نصف ديگر کره را که کره آمريکاست و مجهول و مستور است کشف کند جسم ثقيل است امّا بوسائط مکشوفه خويش پرواز کند بطیء الحرکه است امّا بوسائطی که ايجاد نمايد در نهايت سرعت شرق و غربرا طيّ نمايد مختصر اين قوّه محيطه است بر جميع اشيا . امّا اين روح انسانی دو جنبه دارد يا رحمانی يا شيطانی يعنی استعداد نهايت کمال را دارد و همچنين استعداد نهايت نقص را اگر اکتساب فضائل کند اشرف ممکناتست و اگر اکتساب قبائح کند ارذل موجودات گردد . امّا روح در مرتبه چهارم روح آسمانی است آن روح ايمانی و فيض رحمانيست آن از نفثات روح القدس است که بقوّه الهيّه سبب حيات ابديّه شود آن قوّه ايست که انسان ارضی را سماوی کند و انسان ناقص را کامل نمايد کثيف را پاک کند ساکت را ناطق نمايد اسير شهوات نفسانيّه را مقدّس و منزّه کند جاهل را عالم نمايد . پنجم روح القدس است اين روح القدس واسطه بين حقّ و خلق است مثل آئينه است مقابل آفتاب چگونه آئينه مقدّس اقتباس انوار از آفتاب کند و بديگران فيض رساند بهمچنين روح القدس واسطه انوار تقديس است که از شمس حقيقت بحقائق مقدّسه رساند و او متّصف بجميع کمالات الهيّه است در هر وقت ظهور کند عالم تجديد گردد و دوره جديد تأسيس شود و هيکل عالم انسانی را خلعت جديد پوشاند . مَثَلش مِثل بهار است هر وقت بيايد عالم را از حالی بحالی ديگر نقل کند بقدوم موسم بهار خاک سياه و دشت و صحرا سبز و خرم گردد و انواع گل و رياحين رويد اشجار حيات جديد يابد و اثمار بديع پديدار گردد دور جديد تأسيس شود . و ظهور روح القدس مثالش اينست هر وقت ظاهر شود عالم انسانی را تجديد کند و بحقائق انسانيّه روح جديد بخشد عالم وجود را خلعت محمود پوشاند ظلمات جهل زائل نمايد و انوار کمالات ساطع نمايد . مسيح باين قوّت اين دور را تجديد نمود و بهار الهی در نهايت طراوت و لطافت در جهان انسانی خيمه برافراخت و نسيم جان پرور مشام نورانيان را معطّر نمود و همچنين ظهور جمال مبارک مانند فصل ربيع بود و موسم جديد که با نفحات قدس و جنود حيات ابديّه و قوّه ملکوتيّه ظهور و سرير سلطنت الهيّه را در قطب عالم نهاد و بروح القدس نفوسی را زنده فرمود و دور جديد تأسيس نمود .